

خوست کې د بنوونځي زده کوونکي مسمومي شوي



روغتیایي چارواکي وايي، په خوست ولایت کې د یوه بنوونځي گڼې زده کوونکي مسمومي شوي، چې دا مهال په روغتون کې دي. دغه پېښه نن د خوست ولایت د متون د کجیري کلي د نجونو په یوه بنوونځي کې رامنځ ته شوې ده. د خوست د عامې روغتیا ریاست د ساري امراضو د مخنیوي ادارې مشر ډاکتر گل احمدشاه لکنوال وايي، د مسموم شویو نجونو د مسمومیت علت نه دی معلوم خو د مسمومیت د څرنګوالي په موخه یې ځینې نښې نښانې په عاجل ډول کابل ته لېږلې. د هغه په وینا د بنوونځي د ادارې د مسولینو د معلوماتو له مخې ویلي شې چې د درېو ټولګیو نجونې په یو وخت مسمومي شوې دي، چې تر اوسه هم ځینې په ښار او ملکي روغتون کې تر درملنې لاندې دي او روغتیایي حالت یې ښه دی. دا په داسې حال کې ده، چې نن په نیمروز ولایت کې هم د یوه بنوونځي شاوخوا ۲۰۰ نجونې مسمومي شوې، چې تر اوسه په روغتون کې دي.

سکوت پر شش برانګیز حکومت در برابر رویداد خونین پل محمودخان



صحنه ۶

عطا محمد نور:

بلخ گورستان طالبان و داعش شده است

گردیدند. استاد عطا محمد نور گفت که شماری از دشمنان صلح و آرامش مردم که در روستاهای سیزده گانه تئج ولسوالی کشته بلخ جای گرفته بودند و می‌خواستند ولایت بلخ را ناامن سازند، در عملیات نیروهای امنیتی نابود گردیدند.

سرپرست ولایت بلخ افزود: در این عملیات ۳۸ تن از افراد دشمن کشته و ۲۴ تن آنان بازداشت شده و به نهادهای مربوطه تسلیم داده شده‌اند.

والی بلخ خاطر نشان کرد: بلخ گورستان طالبان و داعش شده. ما به این گروه‌ها گفته بودیم که باید از ناامن ساختن بلخ دست بکشند، وقتی چنین نکردند، اینک بلخ به گورستان آن‌ها مبدل شده است.

به گفته آقای عطا، تمامی نیروهای دشمن که از ولایت سرپل و ولسوالی دره‌صوف ولایت سمنگان و برخی‌شان از ولسوالی بلخ و... ساحات به این دره هجوم آورده بودند، کشته و اسیر شده‌اند. همچنان در این عملیات، ۱۱ تن از نیروهای امنیتی نیز به شهادت رسیده‌اند.

در همین حال، باشندگان بلخ با استقبال از این اقدام والی بلخ که فرماندهی عملیات پاک‌سازی روستاهای سیزده گانه تئج ولسوالی کشته را از وجود طالبان به عهده داشت، می‌گویند که حضور والی بلخ در عملیات باعث ایجاد روحیه و انگیزه قوی در میان نیروهای مسلح شده است.

آگاهان امور نیز باور دارند که حضور والیان و افراد درجه یک دولت در میدان نبرد، باعث ایجاد انگیزه و روحیه قوی میان منسوبان امنیتی می‌شود.

ولایت بلخ از جمله ولایات امن در کشور محسوب می‌شود؛ اما نیروهای طالبان، داعش و برخی از حلقات که به داخل دولت راه یافته‌اند، در تلاش ناامن‌سازی این ولایت‌اند.



ماندگار

در عملیات تصفیه‌ی «نوید۳» که در روستاهای سیزده گانه ولسوالی کشته ولایت بلخ راه‌اندازی شده بود، ۳۶ تن از مخالفان مسلح کشته و ۲۴ تن دیگرشان بازداشت شده‌اند.

این عملیات که به فرماندهی عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ جهت پاک‌سازی روستاهای سیزده گانه ولسوالی کشته ولایت بلخ راه‌اندازی شده بود، یک هفته دوام داشت. همچنان در این عملیات شمار زیادی از مخالفان مسلح که از ولایات همجوار بلخ و برخی ولسوالی‌های این ولایت به این ساحه هجوم آورده بودند، نابود

دور پنجم گفت و گوهای صلح امروز برگزار می‌گردد

سناتوران:

از پاکستان ضمانت بگیرید



صحنه ۳

والی بغلان:

بغلان به یک فرقه نظامی نیاز دارد



صحنه ۶

در برگ ها



رهبران
تاجیک
رباینده گوی
اختلاف‌ها

افغانستان به
روایتی دیگر
صداهای
مترقی



شاه نشین
عمارت
ادبیات
داستانی

کمک
میلیون
دلاری فیفا
به افغانستان



فہیم دشتی

رہبران تاجیک رباينده گويِ اختلافها



نخواهند توانست که از زیر بار این مسوولیت با گردن افراخته به در آیند. تکرار احسن است اگر گفته شود که انتقاد از اینها به معنی انتظار پذیرفتن بی‌وچون چرا و حمایت از هر غلط و نادرستی‌یی که از یکی یا چندتای شان سر می‌زند، نیست و نباید در معادلات سیاسی - اجتماعی، بد خود را نسبت به خوب دیگران ترجیح داد؛ ولی این دیگر اصلاً قابل قبول نیست که بر مبنای منافع فردی، پای روی گویِ خوب‌های خود بگذارند و با بدهای دیگران همگام و همکام و هم‌کلام باشند. این نسخه تنها در مورد رهبران تاجیک نه، که برای همه رهبران سیاسی سرزمین ما، از هر قوم و تباری که هستند، صدق می‌کند.

حالا که افغانستان در مسیر بهتر و روشن‌تری به پیش می‌رود (شاید هنوز اکثریت افغان‌ها با چنین پیش‌بینی‌یی موافق نباشند و این‌جا هم جای شرح چونی و چرایی این پیش‌بینی وجود ندارد؛ اما در کتاب «پایان بازی» از همین قلم، تحلیل همه‌جانبه‌یی در این مهم صورت گرفته که علاقه‌مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند) ادامه عملکرد این چنینی رهبران تاجیک، می‌تواند فاجعه‌بارتر از پیش باشد.

تأکید شود که آن‌چه گفته شد یا گفته می‌شود، به هیچ عنوان ریشه در تعصب ندارد (اگر کسانی پذیرفتند، فبها و اگر هم نپذیرفتند، اختیارشان؛ اما حقیقت همین است)؛ ولی از آن‌جا که هنوز و بدبختانه مسیر تأمین منافع کتله‌های مردمی از مجرای تقسیمات و سهم‌بندی‌های قومی می‌گذرد و تا رسیدن به جامعه ایده‌آلی که در آن هر مکلفیت و حقی بر مبنای شایستگی افراد و صرف‌نظر از وابستگی‌گی‌ها و تعلقات‌شان به آن‌ها سپرده شود، فاصله داریم، دوام خصومت‌ها میان رهبران تاجیک و حتا اختلاف‌ها و کشمکش‌ها و بی‌اعتمادی‌های خرد و بزرگ، می‌تواند صدمه بزرگی به افراد وابسته به این قوم وارد کند.

منظور این نیست که با اتحاد این رهبران، تلاش شود تا سهم اقوام دیگر پامال شده و به سود تاجیکان این سرزمین، استفاده شود؛ بلکه اصل این است که در آشفته‌بازار سیاسی امروز و فردهای نزدیک این سرزمین، حقوق مشروع هیچ فرد و گروهی نادیده گرفته نشود و ضعف و کم‌ظرفیتی و بی‌اعتنایی رهبران یک یا چند قوم، باعث ضیاع حقوق انسانی و قانونی افراد وابسته به آن گروه قومی نگردد.

برخی از این‌ها که در سال‌های قبل، زیر چتر مدیریت مستقیم قهرمان ملی، گام به گام به سوی قله‌های رهبری پیش رفتند، یا حتا آن‌هایی که در دوره جهاد و دولت مجاهدین به نحوی خود را سزاوارتر از قهرمان ملی می‌دانستند اما در دوران حاکمیت طالبان، ناگزیر از پذیرش رهبری قهرمان ملی شدند، هیچ از آن مرد بزرگ نیاموختند؛ مردی که وحدت درون‌سازمانی و درون‌قومی و وحدت در سطح ملی از سرلوحه‌های کار و مبارزه‌اش بود.

این‌هایی که از جبر روزگار، در سال‌های پسین به رهبری تاجیک‌ها رسیدند و بر اساس آموزه‌های آن رهبر، باید متحدانه در صحنه‌های سیاسی - نظامی و اجتماعی حضور می‌داشتند و الگویی می‌بودند برای وحدت میان اقوام مختلف کشور، به بیراهه رفتند و نخستین کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی‌شان، برخورد در برابر یکدیگر بود؛ برخوردی که با بازی‌های پنهان و آشکار دست‌های داخلی و خارجی، تشدید هم می‌شد.

در حافظه تاریخ است که از نخستین روزهای سرنگونی طالبان و در واقع از نشست بن که برای تشکیل نظام جدید افغانستان برگزار شده بود، وقتی یکی از این‌ها را از دایره قدرت کنار می‌زدند، دیگران یا نظاره‌گر محض می‌بودند یا هم خود به دسته تبری مبدل می‌گشتند که قرار بود شاخه‌یی از بدنه خودشان را ببرد. به هیچ روی منظور این نیست که حمایت بی‌وچون چرا از هر برخورد و عملکرد نادرست، فراقانونی یا غیرمشروع آن‌ها از یکدیگر، تداعی و ترویج شود؛ اما آن‌جا که همه برای منافع مشروع‌شان مبارزه می‌کنند، نباید این‌ها تیشه به ریشه خود بکوبند.

در جریان دوره‌های مختلف انتخابات - چه ریاست‌جمهوری و چه پارلمانی - این‌ها به شدت به تخریب یکدیگر پرداختند و این پراکنده‌گی و اختلاف، از یک‌سو طیف وسیع متحدین سیاسی‌شان را که به یمن مبارزه‌یی سابقه قهرمان ملی به دست آورده بودند، از آن‌ها دور ساخت و از جانبی سبب شد که در کارزارهای بزرگ سیاسی - اجتماعی، پیوسته و گاهی با شتاب و زمانی آهسته، عقب و عقب‌تر بمانند.

این نکته هم شایان ذکر است که در این میان بوده‌اند تعداد اندکی که مسوولیت‌شان در پراکنده‌گی و ازهم‌پاشی درونی کمتر و از تعداد دیگری - به ویژه آن‌هایی که در دایره قدرت حضور مقطعی داشته‌اند - بیشتر بوده است؛ اما قدر مسلم این است که هیچ کدام نمی‌توانند و

در سرزمین ما اقوام مختلفی زیست دارند و جبر تاریخ چنان بوده که این اقوام حداقل در تاریخ معاصر، دنباله‌رو رهبران قومی بوده‌اند و هنوز مانند کشورهای پیشرفته دنیا، سیاست در این سرزمین، از دایره قومی بیرون نشده که مردم دنبال رهبران فراقومی بروند. با این مقدمه، منظور از این نوشته، حرف و حدیث کوتاهی با رهبران قومی تاجیک‌تبار است. لطفاً آن را تعصب قومی تعبیر نکنید.

در اعتراضات اخیر که بر سر مسیر انتقال برق ترکمنستان به‌راه افتاد، در کنار اعتراضات پراکنده دیگر، یک حرکت جمعی از اقوام هزاره و شیعه‌مذهب کشور را نیز شاهد بودیم. صرف‌نظر از این‌که انگیزه‌های اصلی این حرکت چه بوده یا این‌که به مشروعیت یا عدم مشروعیت چنین حرکتی پرداخته شود، نحوه برگزاری اعتراضات و انسجامی که در آن وجود داشت، مسأله مهمی به شمار می‌رود.

همه شاهد بودند که در این حرکت، رهبران هزاره و شیعه‌مذهب که در حکومت حضور دارند یا در شورای ملی یا هم بیرون از دولت فعالیت سیاسی دارند و یا در رأس نهادهای اجتماعی و فرهنگی و آموزشی مشغول‌اند، همه یک‌دست و یک‌صدا به اعتراض پرداختند و نمونه آشکاری از همسویی و انسجام را به نمایش گذاشتند. حالا اگر این برخورد را با رویکردهای سیاسی - اجتماعی رهبران تاجیک‌تبار به مقایسه بگیریم، به معنای واقعی کلمه، تفاوت زمین و آسمان را می‌توان دید.

در سال‌های پس از سرنگونی طالبان، برخورد رهبران تاجیک با مسایل سرنوشت‌ساز سیاسی - اجتماعی، منفعلانه، فردمحور، خودخواهانه و خصومت‌بار بوده است. در این مدت، به مشکل می‌توان وحدت نظر را میان دو یا بیشتر از دو رهبر تاجیک - در مسایل خرد و بزرگ - سراغ کرد. گاهی هم که به هر دلیلی چند تایی‌شان یک‌جا شده‌اند، بر آنی که اعتماد کرده‌اند اعتمادشان را شکستانده، یا آن‌هایی که زینه گذاشته و یکی را بر بام بالا کرده‌اند، بلافاصله زینه را از زیر پایش برداشته‌اند. از آغاز اداره موقت و بعد در جریان دوره انتقالی و پس از آن در نخستین، دومین و سومین انتخابات ریاست‌جمهوری، به‌وضوح شاهد شکاف‌های عمیق و مخالفت‌های شدید میان رهبران تاجیک بوده‌ایم. هرچند در میان رهبران اقوام دیگر نیز چنین مشکلاتی وجود داشته؛ اما رهبران تاجیک در این میدان گویِ رقابت را از همه ربوده‌اند.

سخن‌ماندگار

صدای مردم را جدی باید گرفت

روز دوشنبه این هفته، کابل شاهد یکی از تاریخی‌ترین راه‌پیمایی‌های مردمی بود که برای یک هدف مشترک صورت گرفت. این‌جا بیشتر به نفس واکنش در برابر یکی از تصمیمات دولت و نوع مدیریت تظاهرات و اقدام‌هایی که از سوی دولت برای مهار آن در نظر گرفته شده بود، توجه می‌شود.

در این‌که برگزاری تظاهرات یکی از حقوق شهروندی است، هیچ جای تردید وجود ندارد. شهروندان در نظام‌های دموکراتیک و مردم‌سالار به گونه رسمی می‌توانند از گزینه‌های فشار برای احقاق حقوق خویش استفاده ببرند. تظاهرکنندگان روز دوشنبه کابل نیز در واکنش به تصمیم دولت مبنی بر عبور سیم برق ترکمنستان از سالنگ، به خیابان‌ها آمدند و صدای اعتراض خود را به گوش دولت‌مردان کشور رساندند. هرچند پیش از این، دولت در جریان واکنش مردمی در مورد این مسأله بود و می‌توانست پیش از برگزاری تظاهرات، دست به اقدام‌های پیش‌گیرانه بزند و از بیرون شدن مردم به خیابان‌ها جلوگیری کند. این به معنای جلوگیری و مهار تظاهرات نباید پنداشته شود، بل به این معناست که دولت باید طرح‌های بدیل برای قناعت کسانی که نسبت به مسیر عبور سیم برق انتقاد داشتند، آرایه می‌کرد و آن‌ها را راضی می‌ساخت. اما دولت از چنین گزینه‌هایی استفاده نکرد و یا هم نتوانست به قناعت تظاهرکنندگان موفق شود.

در هر دو حالت، تقصیر به دوش دولت‌مردان کشور است که از مردم فاصله گرفته‌اند و کمتر به خواست‌های آن‌ها توجه دارند.

با همه نگرانی‌هایی که نسبت به انجام چنین راه‌پیمایی بزرگی وجود داشت، ولی دولت و تظاهرکنندگان به صورت جمعی توانستند به خوبی از پس مدیریت تظاهرات بیرون شوند، به نحوی که بدون بروز کدام مشکل جدی این راه‌پیمایی خاتمه یافت. اما تمهیدات دولت برای مشخص کردن مسیر تظاهرات و به اصطلاح کانالیزه کردن آن، جای پرسش دارد.

دولت از یک روز پیش از برگزاری تظاهرات، راه‌های منتهی به ارگ ریاست‌جمهوری را که گمان برده می‌شد مقصد اصلی تظاهرکنندگان است، بست و به این صورت از نزدیک شدن تظاهرکنندگان به ارگ ریاست‌جمهوری جلوگیری کرد. شاید دلیل این امر، خاطره چند ماه پیش از تظاهرات مشابهی باشد که تظاهرکنندگان تا نزدیکی‌های کاخ ریاست‌جمهوری رسیدند و این شباهت به وجود آمد که ممکن است مدیریت تظاهرات از دست نیروهای امنیتی و گردانندگان تظاهرات بیرون شود و به یک فاجعه انسانی بینجامد.

اما این‌گونه مدیریت تظاهرات به هیچ صورت پسندیده و سزاوار دولتی که خود را با معیارهای دموکراتیک برابر می‌داند، نمی‌نماید. ترس نهفته در این تدابیر، کاملاً مشخص بود و می‌شد دید که کاخ ریاست‌جمهوری نگرانی جدی نسبت به این تظاهرات دارد. از سوی دیگر، دولتی که می‌گوید ظرفیت‌های مدیریتی‌اش برای مهار نگرانی‌های امنیتی به حدی نیست که بتواند جلو ناامنی‌ها را بگیرد، چگونه می‌تواند چنین یک‌شبه سدهای وسیع در برابر شهروندان بکشد؟

گفته می‌شود برای بستن مسیر تظاهرات، دولت میلیون‌ها افغانی را صرف کرایه و جابه‌جایی کانتینرهایی کرده بود که شهر کابل را عملاً به دو نیمه بخش می‌کرد. این بخش‌بندی و تقسیم کابل به چه معناست؟ آیا دولت نمی‌توانست به گونه دیگری تظاهرات را مدیریت کند؟

بدون شک راه‌های معقول‌تر و انسانی‌تر برای مدیریت تظاهرات وجود داشت و دولت باید از گزینه‌های دیگری استفاده می‌برد تا این‌گونه چهره شهر به دژ نظامی مانند نشود. به رغم همه این‌ها، تظاهرات روز دوشنبه نشان داد که نمی‌توان در برابر خواست مردم مقاومت کرد و سرانجام باید صدای آن‌ها را جدی گرفت. دولت‌ها گاهی فکر می‌کنند که تنها مهر دموکراتیک بر جبین آن‌ها کافی است که دست به هر اقدام و تصمیمی بزنند و شهروندان در برابر آن‌ها خاموش باشند. در حالی که نظارت مردمی بر دولت‌هاست که آن‌ها را در صراط مستقیم نگه می‌دارد، ورنه هر دولتی می‌خواهد به قدرت کامل و مطلق دست پیدا کند.

اگر وزارت مخابرات منسجم عمل کند جوانان مهاجر نمی شوند

دور پنجم گفت و گوهای صلح امروز بر گزار می گردد

سناتوران:

از پاکستان ضمانت بگیرید

سناتوران در نشست دیروز سه شنبه ۲۸ ثور مجلس سنا گفتند که از سرگیری مذاکرات چهارجانبه صلح افغانستان برای کشاندن طالبان به پای میز مذاکره استقبال می کنند.

فضل هادی مسلم یار رییس مجلس سنا گفت: «دور پنجم مذاکرات شروع می شود و خواهش ما این است که صلح با در نظر داشت اصول پیگیری شود؛ اما پاکستان سیاست دو رنگ بازی می کند و این بار باید تضمین های برای انجام مذاکرات گرفته شود».

آقای مسلم یار افزود: موقف مجلس سنا از صلح با عزت حمایت می کند و چین و امریکا باید بالای پاکستان فشار وارد کند تا بر تعهدات خود عمل نموده و از سیاست دو رو خودداری کند.

محمد علم ایزدیار عضو دیگر مجلس سنا نیز گفت: «دور پنجم مذاکرات چهارجانبه صلح قرار است فردا (امروز) آغاز شود؛ اما دولت افغانستان تا هنوز موقف خود را اعلام نکرده و نیز روشن نیست که پاکستان با چه رویکردی این مذاکرات را آغاز می کند؛ در حالی که طالبان به جنگ ادامه می دهند».

آقای ایزدیار با تأکید بر این که دولت افغانستان دیگر نباید فریب دشمن را بخورد افزود: این بار مذاکرات چهار جانبه باید با ضمانت های معتبر بین المللی از سر گرفته شود تا بر پاکستان فشار وارد شود که تعهدات خود را عملی سازد.

نجیبه حسینی منشی مجلس سنا نیز گفت: «دولت افغانستان باید در این دور از مذاکرات اشتراک کند؛ زیرا همه می دانند که کلید طالبان به دست پاکستان است و این کشور باید طالبان را به صلح حاضر کند».

خانم حسینی افزود: دولت افغانستان در سرگیری مذاکرات باید محتاط باشد و همانطوری که پاکستان در جریان مذاکرات صلح طالبان را برای انتحار و انفجار روان می کند؛ دولت نیز برای مقابله با این گروه آمادگی های لازم را روی دست گیرد.

در دور چهارم نشست های چهارجانبه، پاکستان موظف شده بود که طالبان را به مذاکرات رو در رو با دولت افغانستان حاضر کند و در غیر آن مطابق تعهدات طرف های دخیل از جمله پاکستان بر علیه طالبان اقدام نظامی کند.

نشست گروه هماهنگی چهارجانبه در حالی در سطح سفرا هر چهار کشور برگزار می گردد که عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی، در سفرش به چین از مقامات آن کشور خواسته است، با نفوذی که بالای پاکستان دارند، فشار بیاورند تا آن کشور به تعهداتش عمل کند.

پیش از این رییس جمهور افغانستان در سخنرانی خود در شورای ملی این کشور گفت، توقع ندارد که پاکستان طالبان را به میز مذاکره حاضر کند.

هر چند حکومت افغانستان نشست فردا را متمرکز به گفتگوهای صلح نمی داند؛ اما وزارت خارجه پاکستان دیروز گفته است که پنجمین دور نشست گروه چهارجانبه برای از سرگیری گفتگوهای صلح به روز چهارشنبه در اسلام آباد برگزار می گردد.

نشست گروه هماهنگی چهارجانبه پس از گذشت حدود چهار ماه، دوباره امروز در اسلام آباد از سر گرفته می شود. شاه حسین مرتضوی معاون سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان می گوید که این نشست متمرکز به صلح نیست و دولت افغانستان در حال حاضر گفت و گوهای «بین الافغانی» را مؤثر می داند.

معاون سخنگوی ریاست جمهوری گفت: «این نشست برای گفت و گوهای صلح نیست، در حد سفرا است و هنوز حکومت افغانستان متعهد به این است که چهار کشور می تواند روی برخی مسایل صحبت کند».

آقای مرتضوی تأکید کرد که این کشور هنوز چشم به راه گام های عملی پاکستان به تعهداتش است.

نمایندگان گروه چهار جانبه در آخرین نشست خود در کابل در چهارم ماه حوت سال گذشته خورشیدی تصمیم گرفتند تا اولین گفت و گو مستقیم با طالبان در ماه مارچ میلادی برگزار شود؛ اما طالبان با انتشار بیانیه ای اعلام کردند که در این مذاکرات شرکت نمی کنند.

هم چنان در این نشست توافق صورت گرفت که هر چهار کشور به ویژه پاکستان اقدامات جدی را علیه گروه های تندروی که حاضر به مذاکرات نیستند، روی دست بگیرند.

اما پاکستان به این تعهدات خود عمل نکرد که خشم رییس جمهور افغانستان را بر انگیخت و این مسأله تا جایی بالا گرفت که افغانستان اخطار داد اگر پاکستان به تعهدات خود عمل نکند، افغانستان از این کشور به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت خواهد کرد.

از سوی دیگر، سرتاج عزیز مشاور امنیت داخلی و امور بین المللی نخست وزیر پاکستان در پاسخ خواست های مکرر افغانستان گفت که این کشور علیه گروه های تندرو در خاک خود عملیات نظامی را انجام نمی دهد.

محمد اشرف غنی هفته گذشته در سفرش به بریتانیا در سخنانی در آکادمی «روسی» در لندن از سیاست های منطقه ای پاکستان انتقاد کرد و گفت که این کشور به تعهدش در امر مبارزه با تروریسم عمل نمی کند.

ارزیابی تعهدات خیرالله آزاد معاون سخنگوی وزارت خارجه افغانستان به صدای امریکا گفت که در نشست امروز، عملکرد کشورها به تعهدات نشست های پیشین مورد ارزیابی قرار می گیرد.

او گفت: «توافقاتی که در چهار نشست قبلی صورت گرفته بود، ارزیابی می شود، چهار کشور به تعهدات خود عمل کردند، نکردند، اینها ارزیابی می شود در این نشست».

آقای آزاد افزود که هنوز افغانستان بر موضع قبلی خود تأکید دارد که بر اساس تعهدات نشست قبلی، علیه گروه های که حاضر به مذاکره نیستند، باید برخورد قاطع مشترک صورت بگیرد.

ضمانت گرفته شود از سوی هم، مجلس سنای افغانستان می گوید که از دور پنجم مذاکرات چهارجانبه صلح حمایت می کند؛ اما این بار برای عملی شدن تعهدات مذاکرات باید ضمانت های قوی بین المللی از پاکستان گرفته شود.

چاپی، تصویری و صوتی دست آوردهای بالایی داشته باشد.» آقای محقق همچنان تصریح کرد: یکی از ویژگی های انسان ها این است که زنده گی شان بر پایه عقلشان استوار همواره متحول است؛ خداوند زنده گی انسان ها را متحول ساخته است و با تلاش و تکاپو می توان زنده گی را تغییر داده متحول و بهبود بخشید.

آقای محقق افزود: یکی از عرصه های که انسان متحول شده است، عرصه ارتباطات و به میان آمدن تکنولوژی ارتباطات است که دورترین نقاط جهان را به هم دیگر در ثانیه ها وصل کرده است.

به بیان آقای محقق: سکتور ارتباطات اهمیت ویژه در عرصه های اقتصادی، نظامی و... دارد که باید از بانک جهانی، بانک های خصوصی و کشورهای که حاضر اند در این زمینه ما را همکاری کنند، استفاده کنیم و ارتباطات ارزان تر، آسان تر و مطمئن تر را برای مردم بهرمغان آوریم.

او اضافه کرد: اکنون بیش از دو نیم میلیارد دالر در این سکتور در حال گردش است که سالانه به طور اوسط در حدود ۲۰۰ میلیون دالر دولت افغانستان از آن عاید تولید می کند.

آقای محقق اضافه کرد: این سکتور ظرفیت بالقوه بسیار قوی در اشتغالزایی دارد و از مشکلات بسیار عمده ما است که جوانان را مجبور به ترک وطن کرده است؛ اگر وزارت مخابرات بتواند منسجم عمل کند و در عرصه زیر بنا سرمایه گذاری ها را جلب کند، یک بخش عظیم این جوانان فرار نمی کنند.

او افزود: امروزه بدون استفاده از تکنولوژی معلوماتی و مخابرات، پروسه ارتباطات میان شهروندان و دولت و سکتور خصوصی دشوار است.

معاون ریاست اجرایی تأکید کرد: «سکتور مخابرات با چالش های روز افزونی روبه رو است، یکی از آن ها گسترش ناامنی و افزایش تهدیدها امنیتی در کشور است که تأثیر ناگوار خود را بالای پروسه رشد، توسعه خدمات مخابراتی و اینترنتی برجا گذاشته است. من به شما اطمینان می دهم که جهت رفع این تهدیدها، برای و برای اجرایی شدن پروژه های مخابراتی این موضوع را در شورای امنیت ملی مطرح و پی گیری خواهم کرد».

در عین حال، پیام احمد ضیا مسعود نماینده رییس جمهور در امور اصلاحات و حکومت داری خوب نیز در این محفل از سوی رحیم الله مرشدی، رییس دفتر نماینده ویژه رییس جمهور خوانده شد. در این پیام آمده است: وزارت مخابرات در هم آهنگی با دفتر نماینده ویژه رییس جمهور تفاهم نامه های تطبیق حکومت داری خوب و الکترونیک را امضا کرده که در راستای تحقق اصلاحات، ساده سازی پروسیجره کاری و عرضه خدمات قابل دسترس، ساده و سریع تمرکز داشته است و به زودی شاهد نتایج آن خواهید بود.

در این پیام همچنان آمده: دست آوردهای چند سال اخیر بسنده نبوده و با در نظر داشت شرایط کنونی و انکشافات تکنولوژی، باید اقدامات و تلاش های لازم به خرج داده شود تا تمامی سیستم های کهنه و بیروکراتیک، با تکنولوژی معلوماتی تعویض گردد.

۲۷ اردیبهشت «۱۷ می» به دلیل سالگرد تأسیس اتحادیه جهانی مخابرات، روز جهانی مخابرات و جامعه اطلاعاتی نام گذاری شده است.



دالر سرمایه گذاری ها در این سکتور از جمله دست آوردهای این وزارت می باشد.

او افزود: روز جهانی مخابرات یکی از روزهای مهم بین المللی است که همه ساله در سراسر جهان با شعار مشتری تجلیل می گردد. یکصد و پنجاه و یکمین سالروز ایجاد اتحادیه جهانی مخابرات با شعار «کار آفرینی در عرصه تکنولوژی و مخابراتی» برای تحول اجتماعی در سراسر جهان تجلیل می گردد.

آقای حسامی تصریح کرد: وقت آن فرارسیده است تا توجه زیادی روی استفاده مسلکی و موثر از تکنولوژی معلوماتی مبذول کنیم و وظیفه اصلی کمیونتر را برایش برگردانیم که در اکثر موارد کمپیوتر وظیفه تایپ و تحریر را عوض کرده و یا از آن وسیله تفریح ساخته شده است.

آقای حسامی وعده سپرد که پالیسی های لازم برای رشد و ایجاد زمینه های سالم در مارکیٹ را تدوین کرده و تا پنج سال آینده روی تأسیس و تحکیم شبکه «بانده وسیع» در سطح ملی و منظوری از طریق مشارکت سکتور عامه و خصوصی، اتوماتیزه سازی تمرکز شهروندی، خدمات حکومت داری الکترونیکی، تقویت پلاد فورم انتقال و تحویل دهی در داخل کشور، رشد چارچوب مقرراتی پالیسی و آوردن اصلاحات برای صنعت مخابراتی کار و فعالیت کند که در قسمت حکومت داری موثر و کارا و تضعیف فساد و سوء استفاده ها کمک می کند.

او اظهار داشت: پروژه جدیدی تحت نام «Digital casa Afghanistan» را در افغانستان توسط وزارت تکنولوژی طرح ریزی و به بانک جهانی پیشکش کرده است تا برای تمویل آن همکاری صورت گیرد.

آقای حسامی بیان کرد: ما متهدیم تا سرمایه گذاران کوچک و متوسط را حمایت و تشویق کرده و فضای همگون رقابتی در مارکیٹ مخابرات را تقویت ببخشیم.

در سوی دیگر، محمد محقق معاون دوم ریاست اجرایی در این محفل گفت: روز بین المللی مخابرات در شرایطی در افغانستان تجلیل می شود که افغانستان آهسته آهسته از میان انبوه مشکلات قامت راست کرده و به طرف پیشرفت، به ویژه در عرصه تکنولوژی گام بر می دارد.

آقای محمد محقق ابراز داشت: «پیشرفت در بخش تکنولوژی در بیش از یک دهه گذشته بی مانند بوده و افغانستان توانسته با استفاده از این تکنولوژی در زمینه رشد رسانه های

از ۱۷ می روز جهانی مخابرات و تکنولوژی معلوماتی طی محفلی از سوی وزارت مخابرات و تکنولوژی در کابل تجلیل صورت گرفت.

در این برنامه که دیروز «سه شنبه ۲۸ اردیبهشت/ ثور» برگزار گردیده بود، شمار زیادی از مقامات حکومتی از جمله محمد محقق معاون ریاست اجرایی، نمایندگان مردم در پارلمان، دانشجویان و رسانه ها اشتراک کرده بودند.

آقای محقق در این محفل تأکید کرد که وزارت مخابرات باید خدمات با کیفیت مخابراتی و اینترنتی را به شهروندان عرضه کند.

هم چنان معین تخنیک وزارت مخابرات می گویند که در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد از شهروندان کشور از پوشش سراسری خدمات مخابراتی در کشور مستفید می شوند و یک میلیون نفر از خدمات اینترنتی در کشور استفاده می کنند.

بریالی حسام، معاون تخنیک وزارت مخابرات و تکنولوژی در این محفل بیان داشت: سکتور تکنولوژی معلوماتی و مخابراتی که امروزه تمام سکتورهای دیگر را مانده سیاره های یک منظومه در اطراف خود گرد آورده و به آن ها انرژی می بخشد، حاصل زحمات و تلاش های بشریت طی سده اخیر بوده است.

به گفته آقای حسام: یکی از عمده ترین دست آوردهای مخابرات و تکنولوژی معلوماتی این است که امروز جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده است و ریشه هایش را در اعماق جامعه بشری گسترانیده است.

آقای حسامی افزود: افغانستان در جهان ارتباطات با نصب تلفون سیم دار در سال ۱۸۹۸ شامل گردیده و مدت زیادی توانست همگام با کشورهای دیگر به پیش برود، اما بر اثر نا ملایمت چند دهه اخیر افغانستان از مسیر تکامل نه تنها به دور ماند که زیربنای خود را نیز از دست داد.

به باور معاون تخنیک وزارت مخابرات: در یک دهه اخیر این وزارت توانسته است سکتور مخابرات را در مسیر تکامل و انکشاف رهنمایی دهد که موجودیت بیش از ۲۵ میلیون مشترکین سیستم های GSM-CDMA و تلفون های صابت، بیش از دو میلیون استفاده کننده های خدمات اینترنتی، تحت پوشش قراردادن حدود ۸۹ درصد ساحات کشور و جلب بیش از ۲.۵ میلیارد

کمپاین "افغانستان به روایت دیگر" از سوی بنیاد ارمانشهر در استانه سومین دور از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان راه اندازی شد و از همکاری فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر بهره برد. در چارچوب این کمپاین، بیش از ۱۰۰ مصاحبه با شماری از نویسنده گان، فعالین حقوق بشر، فعالین جامعه مدنی، و سیاستمداران کشور در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان و نگرانی ها و امیدها انجام شد که قسمت زیادی از این مصاحبه ها قبلاً در همین روزنامه منتشر شده است. اینک جمع بندی مفصلی از مباحث مطرح شده در گفت و گوها تهیه شده که در ۱۸ بخش از طریق این روزنامه در خدمت علاقه مندان قرار می گیرد؛ ما می خواهیم از این طریق، صدای نخبه گان کشور را به گوش مردم، دولت و جامعه بین المللی برسانیم. برای خواندن مجموعه این مصاحبه ها و گزارش کامل به این لینک مراجعه کنید: <http://opena-sia.org/item/16511>

مسئولیت دولت در جلوگیری از تهدیدها جایگاه اجتماعی آموزش از نظر برخی امروزه چنان محکم شده است که اگر مکتبی هم بسته می شود، باید حاکمیت را شمتات کرد و نه مردم را، چرا که متولی این امر و قدرت و مسئولیت آن، مستقیماً متوجه دولت هاست. شکریه حیدر از شواهد موجود مثال می آورد: "مردم افغانستان اگر نمی خواستند، امروز ۹ میلیون شاگرد در مکاتب نمی داشتیم و در ۳۴ ولایت این خواست مطرح نمی شد. در جایی که دختران کمتر می آیند، به دلیل دوری راه و نبود وسایل ترانسپورتی است. ولی این که در جایی مکتب بسته می شود، دلیلش مخالفت مردم نیست، به دلیل نبود حاکمیت دولت در سرتاسر کشور است. عملیات مخالفان به گونه یی است که مردم می ترسند؛ چون تجربه تلخی از جنگ دارند."

بتول مرادی فیلم ساز است، او دولت را مسبب ضعف در برخی نقاط روستایی کشور از این حیث می داند: "گمان نمی کنم بسته شدن مکاتب خواست عموم مردم ما باشد. در جوامع کوچک قبیله یی یا روستایی ممکن است این امر به خواست عموم تبدیل شود که این مشکل از ضعف دولت و نبود حاکمیت بر تمام مناطق کشور سرچشمه می گیرد."

خلیل رومان نیز درباره مسوولیت دولت می گوید: "این تهدید به گونه بالفعل و بالقوه موجود است. جامعه در صورت الزام، پاسخ گوی ایستایی در برابر این تهدید نیست؛ چون جامعه فاقد سازمان و ابزارهای لازم برای این کار است. دولت مسوول جلوگیری از تکرار گذشته های تلخ است."

مسعود حسینی، عکاس نیز از بی توجهی حاکمیت در مقابل خواست مردم می گوید: "وقتی دولت نوپا در کشور در حال سازمان دهی بود، از سوی اکثریت مطلق مردم درخواستی تاریخی برای آموزش و پرورش به وجود آمد؛ اما متأسفانه با بی توجهی دولت مواجه شد. گروه شورشی طالبان نیز از این فرصت استفاده کرد و مردم را تحت فشار گذاشت. هنوز فکر می کنم با داشتن شش تا هفت میلیون دانش آموز، ما در طول تاریخ خود بیشترین حد شمولیت در مکاتب و مدارس را داریم و مطمئن هستم این روند ادامه خواهد یافت." عزیز رفیعی به محتوم بودن تغییر در جامعه اشاره می کند: "آیا کسی حاضر است امروز با مرکب به زیارت حج برود؟ معلوم است که جواب منفی است. هیچ امکان ندارد که شما در عصر تکنولوژی و اطلاعات زنده گی کنید و مکتب ها بسته شود."

از نظر ضیا مبلغ، افکار عمومی مردم بدون دخالت قدرت ها بسیار مرفقی تر از چیزی است که بر آنها تحمیل می شود: "جامعه افغانستان را اگر سیاستمداران فاسد به حال خود بگذارند، به حدی از بلوغ رسیده که چنین چیزی حتی جزء تصورات مردم هم نیست. مثلاً در ولایتی مثل ارزگان دو وکیل در پارلمان حضور دارد. هر دوی این وکیل ها زن هستند. یکی از این وکلا بر اساس رأی مستقیم مردم انتخاب شده و در بین آن همه مرد توانسته آرای بیشتری را به خود اختصاص بدهد و به پارلمان برود. وکیل دیگر هم توانسته است

که بر اساس سهمیه وارد پارلمان شود. هیچ مردی از این ولایت نتوانسته است وارد پارلمان شود و هیچ کس هم به این موضوع اعتراض نکرده است. بر این نظرم که اگر مردم را هیچ راحت بگذارید، هرگز نخواهند گذاشت در هیچ مکتبی بر دختران بسته بماند."

استاد زریاب معتقد است گرچه نیروهای طالبانی به دلایل سیاسی قدرت گرفته اند اما این عمل، عکس العملی در پی دارد: "اگر حکومت آینده امتدادی از سیاست های گذشته باشد، این وضعیت بحرانی همچنان ادامه پیدا خواهد کرد و در نتیجه نیروهای طالبانی و واپس گرا هرچه بیشتر در سیستم نفوذ خواهند یافت. ولی این احتمال نیز دور از ذهن نیست که در مقابل کنش های طالبانی، واکنش های شدیدی شکل بگیرد."

بسیاری از روشن فکران افغانستان با وجود محدودیت های فراوان، انفعال پیشه نکرده و در حال تلاش برای رخ ندادن اتفاقاتی از این دست هستند. اما نگرانی ها واقعی است، چرا که ابزارهای مبارزه با ارتجاع مانند احزاب اپوزیسیون هنوز قوی نشده اند و قدرت های دیکتاتوری امکان استفاده از امکانات و اسلحه های خود را دارند.

آزیتا رفعت می گوید: "ما امیدوار هستیم که چنین نشود و در کنار امیدواری تلاش هم می کنیم. متأسفانه در ده سال گذشته ما نتوانسته ایم فرهنگ حزب پروری مناسب و تعریف اپوزیسیون سازنده را به معنی واقعی داشته باشیم. قبول می کنم که تغییر نیاز به زمان دارد ولی زمانی که سیاست های حکومت تضعیف کننده است تا تقویت کننده، جای هر نوع رشد مثبت گرفته می شود. نمی شود نگران نبود و از تکرار نترسید. چون ما شاهد بوده ایم که در نهایت قربانی اصلی سیاست های ناقص در جامعه افغانستان زنان اند." شکلا ابراهیم خیل تنها در شرایط بحرانی، اتفاقاتی مانند بسته شدن مکاتب را ممکن می داند: "هیچ وقت مردم این اجازه را نخواهند داد، اما در صورت شروع جنگ، بحث فرق خواهد کرد."

عزیز خیراندیش معتقد است: "من فکر نمی کنم دوباره این سناریوی تلخ تکرار شود. اما اگر طالبان به دولت راه یابند و بخواهند ماده سوم قانون اساسی را که «هیچ قانونی نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد» تطبیق کنند، زنان با وضعیت بدی روبه رو خواهند شد. زیرا برداشت آنان از اسلام تدریجی است. اگر طالبان که ادعای تغییر قانون اساسی را دارند، بخواهند این ماده را تطبیق کنند، این سناریو دوباره تکرار خواهد شد."

بنابراین گرچه بسیاری خواست عمومی مردم را مغایر با خواست طالبانی می بینند، اما نمی توانند نگران اعمال قدرت های سیاسی نباشند. به عنوان مثال دکتر عالمه می گوید: "چند سال اخیر نشان داد که بعضی از کسانی که در رده های بالای قدرت هستند؛ آن طوری که باید به حقوق بشر که طفل و زن و مرد و جوان و پیر را در بر می گیرد متعهد باشند، متعهد نبوده اند. ما عملاً شاهد بسته شدن مکاتب های دخترانه بوده ایم. تیزاب روی دختران پاشیده می شود، دختران مکاتب مسموم می شوند، شب نامه ها برای خانواده های دانش آموزان و استادان پخش می شود. این مسایل است که متأسفانه ما مجبور می شویم هراس داشته باشیم که مبادا در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر گروه های ضد دولتی قرار می گیرند و در مناطقی که بنیادگرایی حاکم است، مکاتب دوباره بسته شوند."

محمد افسر رهبن نیز معتقد است اگر چنین چیزی رخ دهد، تنها یک اراده سیاسی است و نه اجتماعی: "مردم چنین چیزی را نمی خواهند، اما متأسفانه مردم در سیاست گذاری ها مثل گذشته نقش نخواهند داشت. حالا تحصیل کرده ها یا بازیگران سیاسی که در جناح های مختلف فعالیت می کنند، در تعیین سیاست ها اثرگذار هستند."

عزیز دلدار، استاد دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه کابل و فیلم ساز، معتقد است که

هنوز جامعه افغانستان به میزان مطلوب برای پذیرش تغییرات نرسیده است: "فکر نمی کنم قابل پیش بینی باشد. بدویت در جامعه به نظر من، عامل مهمی برای بسته شدن مکاتب روی دختران است. مخصوصاً تغییراتی که در حوزه زنان رخ داده، جامعه روستایی را به هراس انداخته است."

پیام مقاومت مردم

اکنون بیشتر تحلیل ها و نگاه ها در جامعه افغانستان بر این نکته متمرکز هستند که فضای فکری جامعه پذیرای تحصیل و کسب علم است و اگر نقصی وجود دارد، نه متوجه مردم و خواست آن ها بلکه به دلیل حاکمیتی است که امنیت و شرایط لازم را به اندازه شایسته و مطلوب مهیا نکرده است تا پشتوانه یی برای مردمی باشد که از قدرت قهریه بی بهره اند. اگر به عللی که برای نشان دادن اهمیت مردم به تحصیل برشمرده می شود نگاهی بیفکنیم، اولین و مهم ترین آن را می توان در حضور زنانی دید که اکنون موثرتر و به فراخور توان و ایستاده گی خود در حال مقاومت و پیشبرد خواسته های شان هستند. آنان با افزایش آگاهی کمتر از گذشته احتمال دارد که به تمامی خواسته های سرکوب گرانه نیروهای واپس گرا تن دهند.

از طرفی، این دستاورد بی ارتباط با باقی جامعه نیست، تعداد بالای دانش آموزان در مکاتب، بالا بودن تعداد ولایت هایی که خواستار وجود مکاتب برای فرزندان شان هستند، نشانه های قابل اتکایی محسوب می شوند که صدای مردم را تشکیل می دهند. این صدا هم اکنون به تعطیل شدن مکاتب اعتراض می کند و در حال نشان دادن مقاومت های فردی و جمعی است. گرچه شاید هنوز در برخی مناطق روستایی و اجتماعات کوچک این کشور برخی خواسته ها هنوز به خوبی شکل نگرفته باشند یا حتی با خواسته نیروهای ارتجاعی هماهنگ شده باشند؛ اما نمی توان آن ها را نماینده غالب مردم جامعه دانست، نه به لحاظ کمی و نه حتی به لحاظ روح حاکم بر خواسته های مردمی.



افغانستان به روایتی دیگر

صداهای مرفقی

بخش دوازدهم



داستان ادبیات عمارت شاه نشین

(درآمدی بر پایگان تاریخی، فلسفی و فرهنگی ادبیات روایتی منثور مدرن)

بخش دوم و پایانی

تنظیم و تلخیص: زهره سمیعی

مجید نصرآبادی

۳-۵: «دن کیشوت» هنگامی که با آسیاب‌های بادی مواجه می‌شود، آن‌ها را هم‌چون غولان عظیمی می‌پندارد که باید به نبرد با آنان برود و هرچه سانچو سعی می‌کند که او را از این اشتباه آگاه سازد، فایده‌ی ندارد. «دن کیشوت» خطاب به سانچو می‌گوید: «من فکر می‌کنم که آن‌چه را می‌بینم، همان است که می‌گویم». این جمله چون شاه‌بیتی برای اثر «دن کیشوت» است. او آن‌چه که می‌گوید و می‌بیند، همانی است که فکر می‌کند؛ و این یعنی همبسته‌شدن ذهن با تجربه‌ی متنی و بالتبع آن، همبسته‌شدن عین با تجربه‌ی ذهنی. در فرازی دیگر، «دن کیشوت» می‌گوید: «کلام آخر این‌که من هر آن‌چه را می‌گویم، حقیقی می‌پندارم، همین و بس». این اصل موضوع بنیادینی است که حقیقت و وجود را در خُرده‌جهان خاصی که بدان رنگ واقعیت زده شده، یکی می‌کند. سروانتس در این اثر تنها به نقیضه‌پردازی و عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی نپرداخته است که فقط زمینه‌ی را ایجاد نماید تا خواننده را به خنده وادارد. او یک شخصیت داستانی خلق نموده و در این اثر «هستی فراموش شده‌ی انسان» را می‌کاود.

۴-۵: دلیل دیگری که برای ویژه و مختص بودن «دن کیشوت» به عنوان ممیزه میان ادبیات روایتی سنتی با مدرن می‌دانم، وجود دیگر آثار نویسنده است. سروانتس علاوه بر تجربه‌های بسیاری که در نمایش‌نامه‌نویسی و شاعری داشت، اما در هیچ کدام از این دو گونه ادبی به اندازه داستان‌نویسی موفق نبود و با اقبال عمومی مواجه نشد. او در مجموعه‌ی به نام «داستان‌های کوتاه پندآموز»، داستانی با عنوان «لیسانسه شیشه‌ی» دارد که بی‌گمان پس از اثر «دن کیشوت»، عمیق‌ترین و اصیل‌ترین داستانی است که سروانتس نوشته است. این نگاه سروانتس به روان‌کاوی و معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی شخصیت‌های داستان‌هایش، دلی دیگر بر ممیز بودن آثارش از دیگر هم‌تایانش است. سروانتس به زیبایی بر روی اصل «خرده‌جهان‌ها» و «تصویر جهان» و به گفته پل ریکور «پیشادراک» شخصیت‌های داستانی‌اش کار کرده است. سروانتس، یک رمان‌نویس فیلسوف است که جهان و انسان را از دریچه هستی‌شناسی بررسی می‌کند. سروانتس معانی ثقیل فلسفی را در روایت‌هایی بسیار ساده بر ما آشکار می‌کند. «دن کیشوت» یک رمان سهل‌الممتنع است.

۶-۱: رمان با خلق «دن کیشوت» هویت یافت. از قرن ۱۶م به بعد تا به امروز آثار بسیاری به رشته تحریر درآمده است که هر یک سعی در ساختارمند کردن ادبیات روایتی منثور مدرن داشته‌اند که در ذیل به گروهی از مهم‌ترین این ساختارها اشارتی می‌شود:

۶-۱: پیرنگ (plot): در ادبیات روایتی منثور سنتی به‌خاطر عدم تفکر عقلانی، پیرنگ‌ها تحت تأثیر بینش اسطوره‌ی هستند و گاه با بی‌نظمی و تعدد وقایعی روبه‌رو هستیم که هیچ ارتباط منطقی با یکدیگر ندارند. در ادبیات روایتی منثور مدرن، نویسنده برای پیرنگ داستانی‌اش باید تابعی از بینش استدلالی و منطقی باشد. دیگر نویسنده نمی‌تواند در انتخاب علل درونی داستان، طبق بینش اسطوره‌ی و به قول «ارنست کاسیرر»، انتخابی کاملاً آزادانه برای علل وقایع داشته باشد. در روایت‌های مدرن، روابط علت و معلولی با قیدهای عقلانی، روان‌شناختی و اجتماعی حاکم بر پیرنگ است که داستان را پیش می‌برد.

۶-۲: شخصیت‌پردازی (character): در روایت‌های سنتی، آدم‌های داستان یا ایزدانند یا قهرمان‌اند (hero) و یا این‌که شیخی از یک انسان که احساس‌شان نمی‌کنیم. پس از این دوره در قصه‌ها و حماسه‌ها با نیمه‌خدایانی روبه‌رو هستیم که هم پای در جهان ایزدی و هم در دنیای انسانی دارند. دوران مدرن که نماینده انسان‌گرایی و آرمان‌های اگزیستانسیالیستی است با گسستی دیگر در شخصیت‌پردازی سعی در وانمودن انسان منهای آرمان‌های الهی و حتا اخلاقی داشته است. به هر تقدیر، شخصیت‌پردازی روایت‌های مدرن، تک‌افتاده‌گی انسان در این گیتی را با تمامی رنج‌ها، آرزوها، امیال سرکشش برای‌مان به تصویر کشیده است.

۶-۳: زاویه دید (point of view): ادبیات روایتی سنتی برای روایت، اکثراً از زاویه دید دانای کل استفاده می‌کند و این به دلیل دیکتاتوری و تک‌صدایی حاکم بر اجتماع و زبان است؛ اما در روایت‌های مدرن از زاویه دیدهای دانای کل محدود، اول شخص، نمایشی و زاویه دیدهای چندگانه بیشتر استفاده می‌شود که آن‌هم به‌خاطر رشد فزاینده دموکراسی، افول اتوریته تک‌صدایی و نسبییت حاکم بر زبان است. مکاتب هنری و ادبی که در قرون ۱۹ و ۲۰ هم‌چون قارچ هر روز سربرمی‌آوردند، خود دالی بر این مدعاست که اقتدار تک‌صدایی در عالم هنر و ادب در حال فروپاشی بود.

۶-۴: گفت‌وگو (dialogue): در روایت‌های سنتی از شیوه مکالمه و سخن گفتن قهرمان‌ها نمی‌توان منصب اجتماعی‌شان را تشخیص داد، به طوری که اختیار لحن قهرمان‌ها، در قدرت کلام راوی / نویسنده است؛ اما در روایت‌های مدرن لحن راوی / نویسنده از لحن شخصیت‌ها متمایز می‌گردد تا شخصیت دارای هویت و فردیت در اثر شود، که این امر را مدیون اندیویدوالیسم حاکم بر تفکرات فلسفی این دوران هستیم.

البته بر این سیاهه می‌توان به بررسی عناصر دیگر داستان پرداخت و وجه تمایز آن را در ادبیات روایتی منثور مدرن و سنتی مورد بررسی قرار داد. هر چند که وجه شبه‌ها و متمایزکننده‌های میان این دو گونه روایتی، نیاز به کندوکاوی جداگانه دارد.

۷- ادبیات مدرن که جزئی از فرایند مدرنیته است، با تأثیر گذاشتن و تأثیر پذیرفتن از دیگر زمینه‌های فرهنگی این فرایند، موفقیتی چشم‌گیر به‌دست آورد و توانست سه اصل زیر بنایی فرایند مدرنیته: آزادی، برابری و عقلانیت را در درون خود حل کند و از

گذر این اهداف و آرمان‌ها به بسترسازی فرهنگی در اروپا کمک کند. رمان‌ها در شکل‌گیری تحرکات و انقلاب‌های اجتماعی - سیاسی، بازآفرینی حالات ذهنی - روانی و کاوش در هستی انسان، نقش داشته‌اند. تخیل در رمان برخلاف افسانه (legend) که ملهم از سحر و جادو است، تخیلی حقیقت‌نماست (verisimilitude) و بازآفرینی ذهنی سعی در تبعیت از امور واقع را دارد. رمان‌های مکاتب ریاالیسم، ناتورالیسم و رمانتیسیسم، تأثیر بیشتری از جریان‌ات مدرنیته گرفتند؛ اما رمان (ادبیات روایتی منثور مدرن) یک گونه ادبی پویاست. رمان توانسته در هیأت‌های متفاوتی ظاهر گردد و همین امر، نظریه «مرگ رمان» را منتفی ساخته است. مکاتب سوررئالیسم، جریان سیال ذهن (سیلان آگاهی)، ریاالیسم جادویی، سمبولیسم و رمان‌های تمثیلی، در حقیقت پروژه مدرنیته را نفی نمی‌کنند، بلکه بسیاری از این قبیل آثار در امتداد همان «پروژه ناتمام مدرنیته» هستند. به‌کارگیری عناصر جادویی و تصاویر فراواقع در رمان «صدسال تنهایی» مارکز، نتوانسته لطمه‌ی به نوع شخصیت‌پردازی و پیرنگ مدرن آن اثر وارد آورد، بلکه این بهره‌گیری رمان را در استفاده از سنت‌های بومی امریکای لاتین می‌رساند. رمان «کوری» ساراماگو نیز گونه‌ی تمثیلی از رمان است و دال بر رجعت به دنیای اسطوره‌ی نیست. این رویکرد جدید، نوید ورود به عرصه‌ی دیگر از روایت‌پردازی را می‌دهد که متفاوت با روایت‌های سنتی است؛ دورانی که از می‌توان با نام «پسامدرنیسم» یاد کرد. داستان کوتاه که گونه‌ی دیگر از روایت‌های مدرن است، با حکایات و قصه‌های کوتاه متفاوت است، چرا که معلول فرایند مدرنیته است. ادبیات روایتی سنتی کوتاه دارای پیرنگی ازهم‌گسیخته و متعدد بود و بیشتر حوادث نقش محوری را ایفا می‌کردند و آدم‌های داستان به مرحله شخصیت‌پردازی نمی‌رسیدند و داستان دارای وحدت تأثیر کم‌تری بود. وجه اخلاقی و تعلیمی در حکایات، پارابل‌ها و فابل‌ها از روایت‌های سنتی نمودی آشکار دارد که در داستان کوتاه سعی نویسنده بر آن است که در پی به تصویر کشیدن زنده‌گی باشد تا پند و اندرز دادن به خواننده. داستان‌نویس دیگر خود را خطیب و واعظ نمی‌داند و سعی در نمایان‌سازی وقایع دارد تا قضاوت درباره آن.

داستان کوتاه که گونه‌ی دیگر از روایت‌های مدرن است، با حکایات و قصه‌های کوتاه متفاوت است، چرا که معلول فرایند مدرنیته است. ادبیات روایتی سنتی کوتاه دارای پیرنگی ازهم‌گسیخته و متعدد بود و بیشتر حوادث نقش محوری را ایفا می‌کردند و آدم‌های داستان به مرحله شخصیت‌پردازی نمی‌رسیدند و داستان دارای وحدت تأثیر کم‌تری بود. وجه اخلاقی و تعلیمی در حکایات، پارابل‌ها و فابل‌ها از روایت‌های سنتی نمودی آشکار دارد که در داستان کوتاه سعی نویسنده بر آن است که در پی به تصویر کشیدن زنده‌گی باشد تا پند و اندرز دادن به خواننده. داستان‌نویس دیگر خود را خطیب و واعظ نمی‌داند و سعی در نمایان‌سازی وقایع دارد تا قضاوت درباره آن

والی بغلان:

بغلان به یک فرقه نظامی نیاز دارد



گفت‌وگو کننده: ابوبکر مجاهد

اشاره: طالبان در جریان هفته گذشته یک بار دیگر بر ولایت بغلان حمله کرده ساحات چشمه شیر پلخمری شهرهای بغلان مزار را در تصرف در آوردند.

اما، مسوولان در ولایت بغلان می‌گویند که طالبانی که به ساحات چشمه شیر پلخمری حمله کرده بودند، در یک عملیات از این ساحات بیرون رانده شده‌اند و شهرهای پلخمری مزار به روی ترافیک باز شده است.

در این مورد روز نامه ماندگار مصاحبه پی را با عبدالستار بارز والی بغلان انجام داده که اینک می‌خوانید.

سپاس‌مندم جناب والی صاحب که به این گفت‌وگو وقت گذاشتید. ولایت بغلان در این اواخر یک بار دیگر دچار بحرانی ناامنی شد، عملیات نیروهای امنیتی در این ولایت چقدر موثر تمام شده است؟

عملیات قوای مسلح کشور زیر نام خورشید (۲۰) که به تاریخ (۶ / دلو ۱۳۹۴) در ساحات دندغوری و دندشهاب‌الدین آغاز گردیده بود، پس از مدت (۳۶) روز مقاومت دشمنان و «باداران خارجی‌شان این گروه‌های مزدور» با قبول تلفات سنگین از این ساحات بیرون رانده شدند. خصوصاً هراس‌افکنان و جنگ‌جویانی که از ولایات همجوار به‌خاطر تقویة طالبان بغلان به این ولایت آمده بودند، همه نیست و نابود گردیدند.

چون این عملیات در چند مرحله تقسیم گردیده بود، نسبت افزایش فعالیت‌های دشمنان در ولایات دیگر، برخی از قطعات شامل وظیفه در این ولایت که از موثریت خاص برخوردار بودند، جهت پیش‌برد وظایف‌شان به ولایات دیگر رفتند، طالبان که باید تا آخرین پناهگاه‌شان تعقیب و سرکوب می‌گردیدند نشدند و این عملیات نصفه باقی ماند، هراس‌افکنان از این فرصت استفاده کرده، دوباره تحرکات‌شان را در این مناطق آغاز نموده و گه گاهی به درگیری با قوای مسلح می‌پردازند.

در حال حاضر کدام ساحات این ولایت در تصرف طالبان قرار دارد؟

شورشیان و هراس‌افکنان گه گاهی در ساحات «غرب دریا ولسوالی بغلان مرکزی، دندغوری و دندشهاب‌الدین» چالش‌های بالفعل و بالقوه‌شان را ایجاد می‌کنند که از طرف ارگان‌های امنیتی مورد هدف قرار گرفته و سرکوب می‌شوند.

آیا عملیات به خاطر پس‌گیری ساحات که طالبان در آن قرار دارند آغاز شده یا خیر؟

عملیات جهت سرکوب دشمنان کشور در این ولایت جریان دارد که تا هنوز شمار از گروپ‌های شورشیان در ولسوالی بُرکه از جمله چهره مطرح گروپ «جندالله به‌نام یاسر» و دیگر افراد مهم این گروه از بین برده شده و برخی‌شان به اثر فشار و حملاتی که بالای‌شان بود به پروسه صلح پیوسته‌اند. در ولسوالی‌های خنجان و دوشی گروپ مخالفان که باعث ناامنی شاهراه پلخمری سالنگ می‌گردیدند، در عملیات چریکی ویژه و سریع نهادهای امنیتی

سکوت پرسش برانگیز حکومت در برابر رویداد خونین پل محمودخان

تاجیه نوری

در درون حکومت وجود دارد که اگر افشا شوند، یقیناً اعتماد مردم نسبت به حکومت به شدت صدمه خواهد دید.

به باور این آگاهان نظامی: کمیسیون ایجاد شده، از افشای مسوولین رویداد حمله به قطعه حفاظت از رجال برجسته سیاسی هراس دارد؛ بنابراین حکومت از حقیقت فرار می‌کند، چون پاسخی به خانواده‌های شهدا و رسانه‌ها ندارد.

در ساعات اول روز سه‌شنبه ۳۱ حمل سال روان، دو مهاجم انتحاری، ساختمان ریاست حفاظت از رجال برجسته سیاسی مربوط اداره امنیت ملی را هدف قرار دادند. وزارت داخله پس از حمله اعلام کرد که یک موتر باری در یک پارکینگ در نزدیکی ساختمان ریاست حفاظت از رجال برجسته سیاسی منفجر شده و دو حمله‌کننده وارد ساختمان شده‌اند که توسط نیروهای پولیس ویژه کشته می‌شوند.

اما پس از مدت کوتاهی، رسانه‌ها گزارش دادند که بعد از انفجار این موتر باری، سه حمله‌کننده با یونیفورم کارمندان ریاست حفاظت از رجال برجسته سیاسی مربوط ریاست امنیت ملی، وارد این ساختمان شده‌اند که دو نفر آنان کشته می‌شوند و نفر سوم پس از کشتن حدود ۱۰ نفر از کارمندان این ریاست، با تبدیل لباس موفق به فرار از محل می‌گردد.

رییس‌جمهور غنی برای بررسی این رویداد، بلافاصله کمیسویی را با عضویت وزارت دفاع ملی، امور داخله، ریاست امنیت ملی و اداره امور ایجاد و به آنان دستور داد تا در زودترین فرصت، قضیه را بررسی و نتایج آن را با مردم شریک سازند. ولی با گذشت یک ماه نه تنها کارکرد این کمیسیون معلوم نیست، بل حتا اثری از این کمیسیون دیده نمی‌شود و مشخص نیست که چه کسانی مسوولیت این کمیسیون را به عهده دارند.

در این حمله، بیش از ۶۴ نفر کشته و ۳۴۷ نفر دیگر زخمی شدند و این حمله یکی از خونین‌ترین حملات گروه طالبان در چند سال پسین عنوان شده است.

پس از رویداد خونین پل محمود خان، رییس‌جمهور غنی اعلام کرد که برای بررسی این رویداد، کمیسویی را به عضویت ریاست عمومی امنیت ملی، وزارت دفاع، امور داخله و شورای امنیت ایجاد کرده تا این رویداد را بررسی و نتایج آن را با مردم شریک سازند. اما اکنون پس از گذشت یک ماه هیچ اثری از این کمیسیون به چشم نمی‌خورد.

وزارت دفاع ملی و امور داخله در تماس تلفونی با روزنامه ماندگار می‌گویند که آنان صلاحیت و مسوولیت صحبت کردن در خصوص این رویداد را ندارند؛ زیرا آنان یک عضو اند و باید رییس این کمیسیون صحبت کند.

مسوولان در حکومت هم با شانه خالی کردن از این مسوولیت به روزنامه ماندگار می‌گویند: هرگاه بررسی‌ها تمام شد، ما یافته‌های خود را با رسانه‌ها شریک خواهیم کرد.

آنان در برابر پرسش ماندگار درباره زمان انتشار یافته‌های‌شان می‌گویند: چرا این قدر عجله دارید؛ زمانی که بررسی‌ها تمام شد، یافته‌های خود را با مردم شریک می‌سازیم.

اما این دعوت به صبر از سوی حکومت در حالی‌ست که بسته‌گان شهدای رویداد پل محمود خان به این باورند که اصلاً کمیسویی ایجاد نشده تا قضیه بررسی و نتیجه با مردم شریک شود، حکومت صرفاً برای اغفال مردم این سخنان را می‌گوید.

همچنین به گفته آگاهان سیاسی نظامی: حکومت به مردم دروغ می‌گوید و هیچ کمیسویی برای بررسی این رویداد ایجاد نشده؛ زیرا اگر هدف حکومت برملا کردن حقیقت باشد، پیدا کردن واقعیت این قضیه، چندان مشکل نیست. این آگاهان سیاسی می‌گویند: حکومت می‌داند که چه کسانی در روز حادثه غیرحاضر بودند و از کجا و چگونه حمله صورت گرفته؛ بنابراین نمی‌خواهد ضعف‌هایش برملا گردد.

به باور آنان، در رویداد پل محمود خان دست‌های پنهانی

به خصوص ریاست امنیت این ولایت نابوده شدند که از جمله چهره‌های مهم «ملا جانو ولسوالی تاله و برفک، سید سمیع معاون و ملا جبار» مسوول کمیسیون نظامی طالبان در ولسوالی‌های دوشی و خنجان را می‌توان نام برد.

گفته می‌شود در ساحات چشمه شیر پلخمری که مسیر شاهراه بغلان-مزار است طالبان پوسته ایجاد کرده اند، در پاک‌سازی این ساحه آیا اقدامی صورت گرفته است؟

در این اواخر خصوصاً در شب (۲۵-۲۶ ثور) مخالفان لحظات محدود چالشی را جهت آزار و اذیت مردم در ساحه چشمه شیر ایجاد کرده که به اسرع وقت از طرف قوای مسلح کشور سرکوب گردیده و جاده عمومی یا شاهراه بغلان-مزار شریف به روی ترافیک بازمی‌باشد و عابریان از این مسیر عبور و مرور می‌کنند.

عملیات شفق در در عرصه پاک‌سازی طالبان از دندغوری و دندشهاب‌الدین چقدر موفق بود؟ عملیات شفق موثریت خویش را در این ولایت داشته است.

برخی افراد از وجود گروه‌های مسلح غیر مسوول در این ولایت شکایت دارند که دست به چور و چپاول می‌زنند، در این مورد آیا تا هنوز دولت و مقام ولایت بغلان اقدام کرده است؟

موجودیت افراد مسلح غیر مسوول چنان‌که در دیگر گوشه‌های افغانستان وجود داشته در برخی از ساحات ولسوالی‌های این ولایت نیز حضور دارند و به‌خاطر ازبین بردن فعالیت‌های آن‌ها از طریقه‌های مختلف اقدامات صورت گرفته و آنان توان چور و چپاول اموال مردم را در این ولایت نداشته‌اند.

چه اقدامی باید به خاطر ایجاد امنیت کلی در این ولایت صورت بگیرد و عوامل ناامنی در این ولایت در چیست، برخی به این نظر اند که افرادی در این ولایت با طالبان همکاری می‌کنند؟

موقعیت جغرافیایی ولایت بغلان ایجاد تشکیل یک فرقه را می‌کند، چنان که در سال‌های پیشین فرقه بهنام فرقه (۲۰) در این ولایت وجود داشت، اما فعلاً وجود ندارد. دوباره ایجاد آن یک امر ضروری پنداشته می‌شود.

عوامل جنگ در این ولایت مرتبط است با ناامن شدن اوضاع کشور، چون این ولایت از اهمیت خاص جغرافیایی و استراتژیک در شمال کشور برخوردار می‌باشند و حیثیت گلوگاه شمال را دارد. بنا موجودیت امنیت در این ولایت قسمی که برای دولت جمهوری اسلامی افغانستان ضروری پنداشته می‌شود. دشمنان نیز کوشش می‌کنند تا در این ولایت چالش‌های ایجاد کنند که خوشبختانه توسط قوای مسلح کشور و عزم اراده مستحکم و راسخ شهروندان این ولایت از اقشار و اقوام مختلف سرکوب شده‌اند. مردم شجاع و دلیر ولایت بغلان طوری که در زمان جهاد افغانستان دشمنان این سرزمین به مانند سایر ولایات کشور به زانو درآوردند به این اجیران و نوکران بیگانه اجازه اعمال تخریب‌کارانه را تا آخرین رمق حیات به زادگاه‌شان نخواهند داد.

دانشجویان افغانستانی مقیم هندوستان

از پاسپورت قلمی بیزارند



تاجیه نوری

محمد مجتبی خاطر نشان می‌کند: هم دانشجویانی که به هزینه دولت هندوستان و هم دانشجویانی که از هزینه شخصی مشغول تحصیل در این کشورند، فارغ از این مشکل نیستند، آن‌ها همه خواهان پاسپورت و مدرک باعتبار کمپیوتری هستند.

اما وزارت تحصیلات عالی می‌گوید: این دانشجویان بعد از مشخص کردن تعدادشان باید به شعبه قنصلی افغانستان مقیم هندوستان مراجعه کنند تا مشکل‌شان حل گردد.

فصل امین سخنگوی وزارت تحصیلات عالی می‌گوید: ما با رییس ارتباط وزارت امور خارجه تماس می‌گیریم و مشکل آنان را مطرح می‌کنیم. این دانشجویان به وزارت امور خارجه معرفی خواهند شد تا مشکل‌شان حل شود، اما باید مشخص شود که ویژه آنان گروپی است یا دولتی.

او همچنین تأکید می‌کند: مسأله مهم این است که آیا این دانشجویان کامیاب هستند و یا خیر. اگر ناکام باشند، باید ناکامی‌شان را جبران کنند تا پاسپورت‌شان تمدید شود.

اکثر دانشجویان افغانستانی‌یی که مشغول تحصیل در کشور هندوستان‌اند، به‌دلیل نداشتن پاسپورت الکترونیکی با مشکلات زیادی مواجه‌اند.

شماری از دانشجویان افغانستانی مقیم هندوستان که با بورسیه دولتی مشغول تحصیل در هندوستان‌اند، به روزنامه ماندگار می‌گویند: به دلیل این‌که اکثریت دانشجویان افغانستانی مقیم هندوستان با پاسپورت قلمی در این کشور اقامت دارند، با مشکلات زیادی مواجه‌اند.

محمد مجتبی اکبری یکی از دانشجویان افغانستانی در هندوستان می‌گوید: اکثریت دانشجویان افغانستانی که در هندوستان مشغول تحصیل‌اند، دارای پاسپورت قلمی یا دست‌نویس‌اند که در جهان امروزی فاقد اعتبار است. به گفته او: دانشجویان در هنگام اخذ ویژه تحصیلی و یا تمدید ویژه با مشکل مواجه می‌شوند و برای کرایه کردن اتاق، به مشکل جدی برمی‌خورند و ناچارند برای ضمانت از دوستان هندی کمک بگیرند.

فیسبوک نامه

رحمت الله بیگانه



رهبر تاریکی

جنبش روشنائی و ذهنیت های تاریک.

مهره های سوخته کززی، هنوز به سرنوشت مردم خواب رفته

افغانستان بازی می کنند.

کسانی که در یک قرن اقتدار در برابر کشتار بی رحمانه مردم افغانستان، توسط تاریک اندیشان، سکوت کرده بودند، حالا برای روشنائی سرود می خوانند.

مگر همین ها نبودند که هزاران تروریست را از زندان ها رها کردند.

مگر همین ها نبودند که در ۲۰ کیلومتری کابل، بزرگترین پایگاه تروریستی را حمایت و مخفی کردند.

مگر همین حکومت نبود که با برادرخواندن آدم کُشان، روحیه آن ها را تقویت و عمل شان را تأیید کرد.

حکوتی که در ۱۴ سال حاکمیت خود، به طالب آدم کش وضد مدنیت، حیثیت داد.

حکومتی که طلایی ترین سال ها و امکانات مادی و معنوی را هنگام زمامداری خود خاکستر کرد.

حکومتی که با معامله و تبانی با دشمن سرمایه اندوخت و به مردم افغانستان نا امنی و دربه دری، برای خود رفاه و اقتدار کمای کرد.

حکومتی که از کشت کونکار حمایت کرد، تا تروریستان تقویه شود.

حکومتی که تخم نفاق در زمین افغانستان پاشید.

حکومتی که تعصب و ملیت پرستی، دست آورد چارده ساله اوست.

آیا این جنایات را در حق مردم افغانستان کززی و تیم فاسدش انجام نداد؟ این ها مسوول اصلی تمام قضایای افغانستان اند، بی کفایتی و تبانی و معامله گری

این جنابان باعث این همه دربه دری شد.

اما ما فراموش می کنیم، مگر ما ملت صاحب حافظه تاریخی نیستیم، چرا این قدر زود فراموش می کنیم!

آدمی با چنین شجره خیانت و جنایت، در رأس جنبش روشنائی می ایستد، و برای ایستاده گی و عدالت شعار می دهد!!

متأسفم که ما نا آگاهانه و غافل در زیر فرمان رهبران تاریکی، شعار روشنائی و عدالت سر می دهیم.

وحید عمر



سهار په فیسبوک کې یوه ملگري لیکلي وو چي نن سبا د

هغو کار ډیر خراب دی چي قومي جهتي گيري او آدرس نلري. شوک يې په خوله پياز هم نه ماتوي.

قومي شخړو ته د لمن وهلو لپاره دغه اوسنی حالت ډیر برابر دی. قومي ادبیات بدرنگه قومی ښکېلې او له تبعیضه ډک القاب بیا ښه پریمانه کارول کیږي. دغه بدرنگه بهیر سره یو ځای کیدل آسانه کار هم دی.

څو کسه در باندې لاتیولیدای هم شي. فیسبوکی لایکونه هم ښه پریمانه اخلې. سړی په دې لاره د خپل قوم اتل کیدای هم شي. خو بیا...

زه خو وایم چي هونیباري اوږد فکر او لرلید پکار ده انډیوالانو. په دغه جغرافیا کې په یاد په عزت او احترام او لوړې په گډه اوسیدو یا

به ټول په گډه ورکېږو. دا به په یاد ساتی!

زهره فرهنگ



این آغاز یک تغییر بزرگ است. چنین حرکت های بزرگ

جمعی با رفتارهای آرام و دور از خشونت، نشان دهنده جایگزین شدن منطق و رفتارهای مدنی و مدرن به جای

تفکر جنگی و تسلیحاتی برای حل مسایل و رسیدن به خواست های بر حق است. این که چرا برخی از صاحبان قلم، ژورنالیستان و کسانی که خود را

فعال جامعه مدنی می دانند و مدام فریاد پایان جنگ و رفتارهای خشن را سر می دهند، در این چند روز اخیر به جای حمایت و پشتیبانی از رفتارهای

مدنی و درخور زنده گی امروزه، سنگ ملامت، تمسخر و کینه توزی برداشته و مدام بر فرق روش ها و شیوه های جدید اعتراضی می کوبند. خبر از حل

نشدن تفکر ملت سازی به جای ملیت ها در باورهای شان می دهد. تظاهرات اخیر دلیلش هرچه باشد باز هم خبر از یک رویداد بزرگ در طول تاریخ

خشونت بار افغانستان را می دهد که نشان گر رشد آگاهی در متن جامعه و بین تمام اقشار مردم از هر طبقه و سنخی می باشد. در هیچ کجای جهان حتا

کشورهای جهان اول چنین تظاهراتی شاید صورت نگرفته باشد که جمعیت کلانی از مردم، هم اعتراض سر دهند و خشم خود را نسبت به بی عدالتی بیان

کنند، هم مراقبت از نظافت خیابان ها را بر عهده داشته باشند و هم احترام به نیروهای مسلح کشور بگذارند.

در تاریخ جامعه یی که تا کنون تفنگ و گلوله تنها محافظ حق بوده و نگهدارنده منافع، این یک رویداد بسیار بزرگ است که مردم تغییر رویکرد داده و به جای

اسلحه و ریختن خون فریاد سر می دهند و خواهان حق می شوند. متأسفانه کینه توزی و نفرت حتا چشم های آنانی که خود را متعلق به نسل جدید و

تفکر جدید می دانند را بسته و دهان شان را باز و قلم هاشان را تیز، تا خارج از درک رویداد مهمی که اتفاق افتاده و رویکرد جدید با افق روشن که کنگله

کلانی از مردم به آن روی آورده را نادیده گرفته اند، یا هم قادر به درک و فهم آن نیستند. بر لجاجت و تنگ نظری خود تأکید می ورزند و به تمسخر این

حرکت می پردازند. همین جمعیت کلان اگر مانند برخی ها که از درون دولت بر قدرت اسلحه و

خشونت تکیه کرده و به تهدید یک جمعیت چند ملیونی می پردازند، اگر دست به اسلحه می بردند و طبق سنت افغانی بر پایه کشتار و خون ریزی خواهان آنچه

حق خود می پندارند، می شدند بهتر می بود یا این چنین رفتارهایی که ذهنیت یک ملت را در چارچوب مرزی بی به نام افغانستان از دایره بسته خشونت

به رفتارهای مدنی بدل می کنند؟ چرا تنگ نظری و بخل بر روی چنین حقیقت بزرگی چشمان تان را بسته است و با رفتارها، نوشته ها و گفتارهای غیر مسولانه

خود جام شوکران در دست گرفته و بر کام ملت می ریزید؟

اروپا در توافق پناهندگان با ترکیه حقوق بشر را نادیده گرفته است

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر پناهنده گان انتقاد شدیدی به رویکرد اتحادیه اروپا در توافق با ترکیه در مسأله پناهنده گان وارد کرده و از نادیده گرفته شدن حقوق بشر از طرف اتحادیه اروپا سخن گفت.

فرانسوا کریپو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر پناهنده گان روز گذشته در سخنانی در آتن گفت: فقدان اطلاعات درباره سرنوشت و ازدحام بیش از حد اردوگاه های پناهنده گان، به سرخورده گی، خشونت و ترس ساکنان آن منجر شده است.

او همچنین انتقاد ویژه یی به این مسأله وارد کرد که در یونان کودکان در اردوگاه های بسته بازداشت می شوند. کودکان نباید بازداشت و محصور شوند.

او در بخش دیگری از سخنانش توافق بین اتحادیه اروپا و ترکیه برای بازگرداندن پناهنده گان از یونان را از نظر قانونی مشکوک ارزیابی کرده و از دادگاه های اروپایی و یونانی خواست که این مسأله را مورد بررسی قرار دهند.

کریپو، همچنین اتحادیه اروپا را فاقد چشم انداز در پاسخ به بحران پناهنده گان دانسته و گفت: برای این اتحادیه هیچ گونه سیاست مهاجرت طولانی مدتی که مبتنی بر حقوق بشر باشد وجود ندارد. اتحادیه اروپا باید با ابزارهای آماده یی به بحران ها واکنش نشان دهد و هربار که یک بحران رخ می دهد سعی نکند راه حلی کشف کند.

اتحادیه اروپا و ترکیه در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۹۴ درباره ممانعت از ورود پناهجویان به قاره اروپا از طریق دریای اژه توافق کردند.

بر اساس این توافق، همه پناهجویانی که وارد جزایر یونان شدند، اگر درخواست پناهنده گی مطرح نکرده باشند یا درخواست آن ها رد شده باشد، به ترکیه بازگردانده خواهند شد.

در مقابل اتحادیه اروپا افزون بر انتقال مستقیم برخی از پناهجویان به کشورهای اروپایی، کمک های مالی به انکارا اعطا خواهد کرد و روند اعطای روادید به اتباع این کشور و همچنین روند مذاکرات برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را تسریع می کند.

بسیاری از گروه های حقوق بشری از جمله دیده بان حقوق بشر و عفو بین الملل به این توافق انتقاد شدیدی وارد کرده اند. این سازمان ها بر این باورند که ترکیه نباید به عنوان کشور امنی برای بازگشت مهاجران در نظر گرفته شود.

آنجلیا جولی، سفیر ویژه سازمان ملل نیز پاسخ امریکا به این بحران جهانی را بسیار دل سردکننده ارزیابی کرده است.

انتقاد پاپ از «تحمیل» دموکراسی غرب به لیبی و عراق



پاپ فرانسیس از تلاش کشورهای غرب برای تحمیل دموکراسی غربی به کشورهای چون عراق و لیبی بدون احترام به فرهنگ سیاسی این کشورها انتقاد کرد.

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک های جهان گفت: اروپا باید بهتر از گذشته مهاجران را در جامعه خود ادغام کند که در همین راستا انتخاب یک مسلمان به عنوان شهردار لندن مثال بسیار خوبی است.

او ادامه داد: در مواجهه با «افراط گری اسلامی»، باید بر این مسأله توجه کنیم که مدل دموکراسی که به کشورهای دارای ساختار قبیله یی مانند عراق و لیبی صادر می شود، بیش از حد غربی است.

رهبر کلیسای کاتولیک در گفت و گو با یک روزنامه فرانسوی گفت: ما نمی توانیم باعث توسعه و پیشرفت در این کشورها شویم، مگر این که فرهنگ سیاسی آن ها را مورد توجه قرار دهیم.

فرانسیس در ادامه اظهاراتش با استناد به سخنان یک لیبیایی گفت: در گذشته یک قذافی در لیبی حضور داشت، اما اکنون این کشور ۵۰ قذافی دارد.

پاپ فرانسیس تاکنون بارها از «استعمارگری فرهنگی» مبنی بر تحمیل ارزش های غربی برای توسعه کشورهای دیگر انتقاد کرده است.

پاپ افزود: زاغه نشینی مهاجران کار درستی نیست، این مسأله می تواند باعث هدایت مسیر مبارزه با تروریسم به مسیر غلطی شود.

او با اشاره به حوادث تروریستی در بروکسل و کشته شدن ۳۲ تن در این حملات گفت: عاملان تروریستی این حوادث بلژیکی بوده و همان فرزندان مهاجرانی هستند که زاغه نشین بوده اند

کمک ۵ میلیون دلاری فیفا به افغانستان



بر اساس تصمیم اخیر کنگره فیفا، فدراسیون جهانی فوتبال تصمیم به این گرفته است تا به هر عضو فیفا در مدت چهار سال، مبلغ پنج میلیون دلاری کمک کند.

این کمک به خاطر پیشرفت و تقویت فوتبال در کشورهای عضو فیفا عنوان شده است.

فیفا این پول را از عواید به دست آمده جام جهانی فوتبال قرار است به فدراسیون های عضو کمک کند.

بنابر تصمیم فیفا، هر فدراسیون عضو، سالانه مبلغ ۷۵۰ هزار دلاری را می تواند در ساخت چمن های فوتبال، برگزاری مسابقات و فوتبال بانوان مصرف کند. فدراسیون های عضو هم چنین می توانند سالانه مبلغ ۵۰۰ هزار دلاری را روی کارهای اداری و مدیریتی به مصرف برسانند.

فیفا هم چنین به فدراسیون های که نیازمند باشند نیز تا مبلغ یک میلیون دلاری در جریان یک سال کمک خواهد کرد. این کمک به خریداری وسایل فوتبال، برنامه های کارورزی و هم چنین مصارف حضور و شرکت تیم های بانوان و تیم های جوانان در مسابقات بین المللی اختصاص داده شده است.

فیفا همچنین کمک سالانه ۲۲ میلیون دلاری به کفندراسیون های قاره یی را به ۴۰ میلیون افزایش داده است. فیفا سالانه یک میلیون دلاری به فدراسیون های منطقه یی (مانند فدراسیون فوتبال مرکز آسیا) خواهد پرداخت تا برای برگزاری رقابت ها و شرکت تیم های جوانان و بانوان در مسابقات هزینه شود.

این اداره هم چنین چندین شاخص را مطرح کرده است که با بر آوردن هر کدام علاوه بر مبلغ ۱۰۰ هزار دلاری که سالانه پرداخت می شود، ۵۰ هزار دلاری دیگر نیز در برابر هر شاخص پرداخت می شود. این شاخص ها عبارت از

استخدام یک دبیر کل، استخدام یک مدیر فنی، برگزاری لیگ مردان، برگزاری لیگ بانوان، برگزاری لیگ جوانان، برگزاری لیگ جوانان بانوان، طرح استراتژی انکشاف و بهبود فوتبال بانوان، برنامه عملکرد و حساب دمی خوب، استراتژی رشد و انکشاف فوتبال پایه و استراتژی رشد و انکشاف داوری می باشند.

کفندراسیون فوتبال آسیا نیز در هر سال حدود ۴۰۰ هزار دلاری نیز به فدراسیون فوتبال افغانستان کمک می کند.

افزایش کمک به اعضا، توام با نظارت بیشتر از سوی فیفا است. یکی از موارد نظارت این است که هر فدراسیون عضو باید نتیجه گزارش حسابرسی (Audit Report) مصارف خود را در ختم هر سال برای عموم منتشر کند.

فدراسیون فوتبال افغانستان هم چنین از بعضی برنامه های خاص فیفا، مثل پروژه گل و هم چنین پروژه «Performance» نیز نفع می برد. کشورهای آلمان، جاپان، انگلستان و چند کشور دیگر نیز فدراسیون فوتبال افغانستان را کمک نقدی و غیر نقدی می کنند. یک قسمت بزرگ عواید دیگر فدراسیون فوتبال افغانستان از برگزاری تورنمنت روشن حاصل می شود. علاوه بر شرکت های مثل

الکوزی حامی مالی تیم ملی فوتبال افغانستان هستند و مبلغ ۳۰۰ هزار دلاری امریکایی از حساب این شرکت به طور سالانه برای حمایت از تیم ملی افغانستان پرداخته می شود. یک محاسبه سطحی نشان می دهد که فدراسیون فوتبال افغانستان سالانه عایدی بیش از پنج میلیون دلاری دارد که برای کشوری مثل افغانستان یک عاید فوق العاده بزرگ محسوب می شود. با این هم، فدراسیون فوتبال کشور به

مانند سال های قبل هنوز هم مشکل بودجه یی را مطرح می کند و زمینه درست آماده گی تیم های ملی کشور را آماده نمی سازد.

مانند سال های قبل هنوز هم مشکل بودجه یی را مطرح می کند و زمینه درست آماده گی تیم های ملی کشور را آماده نمی سازد.

مانند سال های قبل هنوز هم مشکل بودجه یی را مطرح می کند و زمینه درست آماده گی تیم های ملی کشور را آماده نمی سازد.

مانند سال های قبل هنوز هم مشکل بودجه یی را مطرح می کند و زمینه درست آماده گی تیم های ملی کشور را آماده نمی سازد.

مانند سال های قبل هنوز هم مشکل بودجه یی را مطرح می کند و زمینه درست آماده گی تیم های ملی کشور را آماده نمی سازد.

مانند سال های قبل هنوز هم مشکل بودجه یی را مطرح می کند و زمینه درست آماده گی تیم های ملی کشور را آماده نمی سازد.

مانند سال های قبل هنوز هم مشکل بودجه یی را مطرح می کند و زمینه درست آماده گی تیم های ملی کشور را آماده نمی سازد.

DAILY

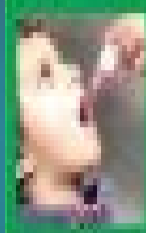
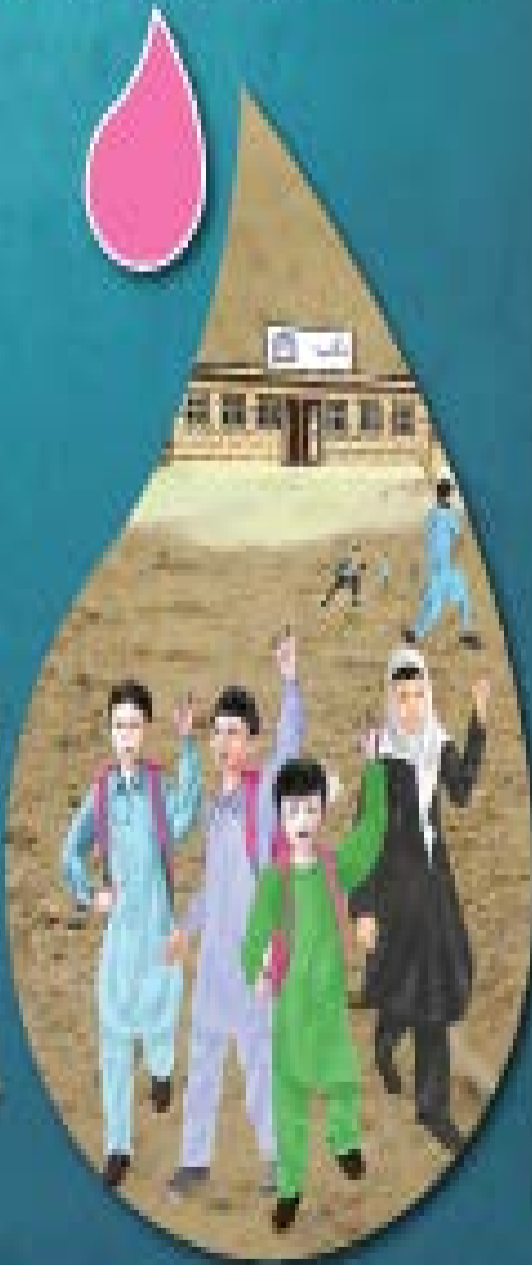
Mandegar



مرض پولیو تداوی ندارد

مرض پولیو اطفال را برای همیشه فلج میسازد، و حتی سبب مرگ آنها میگردد.

یکانه راه جلوگیری از مرض پولیو، واکسین نمودن تمام اطفال با دو قطره واکسین ضد پولیو در هر دوره ای سن پنج سالگی آنها میباشد.



اطفال شما واقعا ضرورت دارند

که توسط دو قطره واکسین ضد پولیو واکسین شوند.

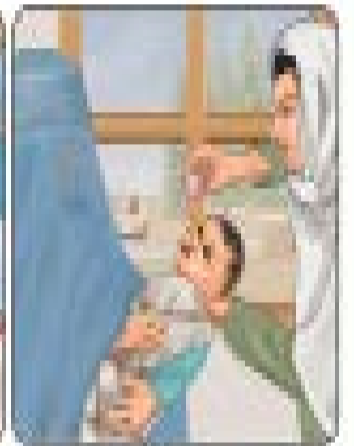
اگر اطفال شما مریض، در حال خواب و یا نوزاد باشند، نیز در معرض مبتلا شدن به مرض پولیو قرار دارند و باید واکسین شوند.



طفل خوابیده



طفل مریض



طفل نوزاد

اگر اطفال شما در جریان کمپاین پولیو واکسین نشده اند، آنها را فوراً به نزدیک ترین مرکز صحتی ببرید. اطفال زن را بطور جداگانه به نزدیک ترین مرکز صحتی ببرید تا آنها را در مقابل انواع گسترده دیگر دوران طولانیت مانند: نورکولوز اعلی، خروسنگ، سیاه سرفه، تیفانوس، زردی سیاه، روزلی، سرخک و نیز پولیو واکسین نمایند.

دو قطره واکسین ضد پولیو برای هر طفل در هر دوره ای سن پنج سالگی



به طفل خان نعلیت های گرم کنی را این سن از سالگی ای تا سالگی ششده

نعلیت های گرم کنی گرم کنی داخل روده طفل این از این سوره و از آن بعد طفل جلو کوبی صورت نگذرد.



نعلیت های گرم کنی هر آن رفته بعدی طفل کن را بالا برد.



اگر کدام طفل شما در جریان کمپاین واکسین نماند، به زود ترین فرصت جهت واکسین نمودن به نزدیکترین مرکز صحتی ببرید.